



زمانی که کورش بزرگ منشور خود را به جهانیان اهدا نمود، جهان از دید مرام انسانی در عهد توحش بسر می برد. مرام و منش کورش بزرگ و قوانینی که او در دو هزار و پانصد و اندی سال پیش به اجرا گذارد، تا پیش او در جهان ناشنیده و نادیده بودند، که انقلابی در جهان انسانیت پدید آورد! کورش بزرگ، به دوره تبعیض، خشونت، خونریزی و ویرانگری پایان داد و دوره نوینی را در تاریخ جهان بنیان گذارد که بر خلاف دوره های پیشین، انساندوستی رواج یافت؛ حقوق و ارزش های انسانی مورد توجه قرار گرفت؛ گسترنده دادخواهی بود و دادرسی و دادگری را در اجتماعات انسانی پیا ساخت؛ از ارزش های انفرادی و اجتماعی پاسداری نمود و نخستین کسی در تاریخ بود که بر پایه اندیشه ای والای مزدپرستی و دین بهی، "توافق در تفاوت ها" را به اجرا گذشت -- ولی، منشور آقای حسن روحانی، یک لطیفه تلخ و به مسخ کشیدن ملت ایران است!

بر اساس منشور ۱۲۰ ماده ای ایشان، "در ایران همه چیز آزاد است، تا زمانی که در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی باشد! همان قوانینی که در ۳۸ ساله گذشته موجب و باعث سلب آزادی ها و فرمانروایی مطلق حکومت اختناق، خون و خشونت در ایران بوده و خود ایشان، بعنوان یکی از عوامل و بازیگران اصلی "نظام خون و خشونت"، نقش خود را به نحو احسن ایفا کرده است!

از موارد مضحکانه این منشور(ماده ۱): "شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمیتوان از آنها سلب کرد مگر بهموجب قانون!" چه قانونی؟ همان قانونی که ایران را پس از چین در مقام دوم اعدام های جهان قرار داده است و در زمان رئیس جمهوری خود آقای روحانی بیش صدها تن، تنها بخاطر دگراندیشی، بیدادگرانه اعدام شده اند؟!



بهر روی، با اعلام این منشور، اعدام، تبعیض، ستمگری، بی عدالتی، اختناق، فساد های مالی و اجتماعی، زنستیزی، ایرانستیزی متوقف نخواهد شد، و هیچ زندانی سیاسی هم از مخوفگاهی های نظام رها نخواهند شد و حکومت به حاکمیت خون و خشونت خود ادامه خواهد داد، ولی سلام گرگ هم بی طمع نیست و اعلام چنین منشور دهان پُرکنی، یک سیاه بازی و ترفند تازه حکومت اسلامی است!

این منشور و مفاد خوش درخشانش، نه تنها اذهان مردم را برای انتخابات نمایشی سال آینده (اردیبهشت ۱۳۹۶) آماده ساخته است، بلکه بدون هیچ گمانی خنجر پنهان دیگری در زیر عبا و لباده روضه خوانان است، تا ابزاری باشد برای وارد

ساختن ضربه های کاری دیگری به یکپارچگی ملت و کشور از جمله دو ماده ۹۹ و ۱۰۱ [1]. این دوماده راه را برای ایجاد "نهادهای کوچک و بزرگ قومی" (در حقیقت نفرت پراکنی)، همچون "فراکسیون مناطق تُرک نشین" [2]، در کم رنگ کردن زبان ملی و رسمی، یورش به وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور، بگونه ای قانونی هموار می سازد.

نیز نکته ای که بایستی توجه نمود، آقای روحانی که در واقع خود نظام است، در هیچ کجای این منشور به "تقویت وحدت ملی و یکپارچگی کشور"، یا یکپار با کسانی که در پی نابودی آن می باشند هیچ اشاره ای نکرده است - البته اگر هم اشاره ای می شد فرقی نمی کرد، زیرا بدون هیچ گمانی، این منشور برای قانونی کردن فعالیت های ایرانستانخواهان ایرانفروش (تجزیه طلبان مزدور بیگانه) تهیه شده است! با اعلام این منشور، این عده از این پس توان آن را خواهند داشت تا در کنار زوزه کشی در استادیوم ها [3]، تحت لوای بدست آوردن حقوق شهروندی، آزادانه و قانونی، به فعالیت های ایرانستیزانه خود را افزایش داده و به مرحله تازه و کارآتری وارد سازند!

در پایان، نیاز به یاد کردن از ۷۴ تن از هم میهنانی که هفته گذشته در مراسم هفتم آبان ماه در آرامگاه کورش بزرگ از سوی دژخیمان حکومت اسلامی دستگیر و بدون داشتن وکیل یا سیر مراحل قانونی، شگاهی بجرم "عشق به ایران"، به یک تا هشت سال زندان محکوم شده اند. این مایه شرمساری و سرافکندگی برای یکایک ۸۰ میلیون ایرانی، بویژه سران باصلاح اپوزیسیون و صدها نهاد و هزاران فعال حقوق بشر ایرانی می باشد، که در کمال بی تفاوتی به تماشای این ستمگری و بیعدالتی نشسته و خاموشی زهر آگین اختیار کرده اند!

شاپور سورنپهلو

۲۹ آذرماه ۳۷۵۴ بهدینی

۲۰ دسامبر ۲۰۱۶ ترسایی

بُن مایه ها و پی نوشته ها:

۱ - ماده ۹۹ - شهروندان حقدارند از امکانات لازم برای «مشارکت در حیات فرهنگی خود» و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در «تأسیس تشکلهای»، انجمنها، برپایی آیینهای دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند.

ماده ۱۰۱ - شهروندان از حق یادگیری و استفاده و تدریس زبان و گویش محلی خود برخوردارند!

۲ - "پیرامون پیاسازی فراکسیون مناطق ترک نشین: سرانجام درخت ایرانستان رژیم دستاربدان به شکوفه نشست"

۳ - "پیرامون حرکت ضدملی و شعارهای ایرانستیزانه از سوی هواداران تیم تراکتورسازی تبریز در استادیوم آریامهر"

فرتور: حضور مصطفی پورمحمدی در کنار حسن روحانی، نشانگر گویای دیگری از ارزش این منشور برای ملت است!

□